

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

### پیام نهضت آزادی ایران

#### به ریاست جمهوری اسلامی ایران

#### درباره قطعنامه ۵۹۸ و بازسازی کشور

و من یطع الله و رسوله و یخش الله  
و یتقه فاولئک هم الفائزون<sup>۱</sup>

جناب آقای سید علی خامنه‌ای

همانطور که اعتقاد و انتظار دارید و بعضی از مقامات حاکمیت مختصر اشاره و احساس مسئولیت‌هایی کرده‌اند کشور انقلاب کرده و جنگ زده ما، بعد از قبول قطعنامه شورای امنیت و پایان بخشیدن به جنگ هشت ساله وارد در دوران نوینی از انقلاب و نظام خود و مواجه با بحران و مسائلی گردیده است که هم امیدوارکننده و هم نگرانی‌آور است.

برای نهضت آزادی ایران که از مخالفین وفادار نظام بوده، نه تنها ضد براندازی نظام است، بلکه حالت قهر و سکوت یا بی‌اعتنایی و روگردانی از مسئولین را نداشته مقابله به مثل با تهمت و توهین و آزارهای آنان نکرده و مایوس و خشمگین از ترتیب اثر ندادن‌ها و بلاجواب گذاردن نامه‌ها و اعتراض‌ها نمی‌شود. بنابراین قابل تحمل نیست که در این نقطه عطف تاریخ ایران و انقلاب و احتیاج ملت و دولت به تحقیق و تحلیل جریانها و به تشخیص چاهها و راهها، نظاره‌گر قضایا یا در انتظار فرصتها باشد.

برای ادای وظیفه‌ای که در قبال نظام و حاکمیت داریم نظریات و پیشنهادهای خود را در این جنجال تعدد مراکز تصمیمگیری و تجاوز از حدود و حقوق قانونی، برای مقامی می‌نویسیم که برای پاسداری از نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی قسم یاد نموده است. نامه را سرگشاده می‌نویسیم چون حساب و کتاب خصوصی در میان نیست و ذینفع قضیه و صاحبکار اصلی مردم ایران بوده لازم است بدانند و بسنجند و بپذیرند و حرکت کنند و از بالای سرشما و ملت خودمان نیز خدای عزیز حکیم را شاهد و سرور می‌گیریم.

\* \* \*

بدیهی است که در اثر ادامه اختناق و انحصاری بودن مطبوعات و رسانه های گروهی و محروم گشتن غیرقانونی اخیر نهضت آزادی از وسائل و امکانات ناچیز قبلی، صدای ما به جای زیادی نخواهد رسید مگر آنکه فضل خداوندی و همت و همکاری هموطنان کمک به تکثیر و توزیع آنچه حق و حقیقت است، بنماید. از صدها مسائل و مشکلات و اقدامات قابل پیش‌بینی دردست اجرا یا در حیطه امکان فعلاً به دو موضوع اکتفا می‌نمائیم. یکی مذاکرات مربوط به قطعنامه ۵۹۸ و به فرجام نیک رساندن صلح شرافتمندانه و

<sup>۱</sup> نور ۵۲- و کسانیکه اطاعت از خدا و فرستاده او نموده ترس و پروای خدا را داشته باشند، موفق شوندگان همانها هستند.

پایدار که مسئله روز است و فوریت دارد و دیگری بازسازی کشور و بازگشت به آرمانهای اصیل و اولیه انقلاب، پس از خون و خرابیها و خصومت‌ها که برای دراز مدت است و وسعت و اهمیت بیشتری دارد.

### الف) مذاکرات مربوط به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و

#### رسیدن به صلح پایدار عادلانه و شرافتمندانه

بدون آنکه خواسته باشیم بازگشت به گذشته نزدیک نموده علل و عواملی را مطرح سازیم که منجر به وضع حاضر و قبول قطعنامه گردید، توجه خود را معطوف به چگونگی پیشبرد مذاکرات و انجام اقدامات در زمینه امضای موافقتنامه قابل قبول و تأمین‌کننده حقوق و منافع ایران برای عقد قرارداد صلح پایدار عادلانه و شرافتمندانه می‌نمائیم.

اولین خاطره و درس عبرتی که به ذهن‌ها خطور می‌کند عدم تکرار و احتراز از پایان ناگوار گروگانگیری سال ۱۳۵۸ است که منجر به موافقتنامه زیانبار الجزایر گردید و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در برابر مأمورین نابکار حریف و سیاستمداران کهنه‌کار خارجی بازیگر ناتوان نادانی شدند که میدان مقابله و نبرد را با تهی‌دستی و پاکبختگی ترک نمودند. در مذاکرات مربوط به قطعنامه نیز دفاع از شرافت و حقوق ملت ایران و حفظ آبروی نظام و انقلاب اسلامی ایجاب می‌نمود که دقت و بصیرت بیشتری بکار برده می‌شد تا هیئت نمایندگی ایران و مسئولین و گردانندگان مذاکرات از افراد بایسته و کاردanan کارکشته انتخاب گردند.

\* \* \*

دقایق و نکاتی که به نظر ما قابل توجه و تذکر می‌باشد بشرح ذیل است:

۱- مرزهای شناخته شده بین‌المللی که در بند ۱ قطعنامه آمده همانطور که از طرف مقامات دولتی اعلام شده است مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر است و بازگشت نیروهای طرفین به مرزهای بین‌المللی بنا به مدلول بند ۱ می‌بایستی همزمان با آتش‌بس صورت گرفته موکول به مذاکرات و موافقت‌های بعدی نشده باشد.

بدیهی است که حل و فصل هرگونه اختلاف یا دعاوی فیمابین در مورد مرزهای آبی یا زمینی می‌تواند پس از بازگشت به مرزها و اجرای آتش‌بس، بر مبنای مقررات مذکور در قرارداد ۱۹۷۵ مورد بررسی و تصمیم قرار بگیرد.

۲- هر چند هیأت نمایندگی ایران انتخاب و اعزام شده‌اند ولی با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، جا دارد که ترکیب آنها اصلاح و تقویت گردد.

۳- مذاکرات و عملیات سیاسی نیز به عهده و مسئولیت وزارت خارجه بوده با حفظ مسئولیت مشترک وزیران، در چارچوب حدود و خطوطی انجام گردد که قبلاً به تصویب دولت و مجلس رسیده باشد. فرمول نهایی موافقتنامه و تعهدات ناشیه و قرارداد صلح نیز باید پس از تعهد و تایید دولت و تصویب مجلس و قبول رهبری به امضا برسد.

۴- جریان کلی مذاکرات و خطوط اصلی توافقها و تعهدات نباید تا آنجا که جنبه سری الزامی ندارد، از ملت ایران و نمایندگان مجلس پوشیده بماند تا صاحب‌نظران و علاقمندان بتوانند نقد و بررسی نمایند. حتی اشکال ندارد وزارت خارجه یک هیئت مشورتی آزاد تشکیل داده از اطلاعات و نظریاتشان استفاده نماید.

۵- به موازات مذاکرات دو جانبه و اقدامات مستقیم، ایجاد و حفظ یک جو سیاسی بین‌المللی مساعد یا

لااقل غیر معاند و جلب همکاری و حمایت همسایگان منطقه و دولتهای غیرمتعهد، به جبران گذشته بسیار مفید و ضروری می‌باشد. بدیهی است که تبادل نظر مستمر و حسن تفاهم و پشتیبانی شورای امنیت و دبیرکل آن از لوازم پیشرفت و موفقیت می‌باشد و هرگونه دعوت و گردهمایی فرهنگی و دیپلماتیک بین‌المللی که در این مدت برای شناساندن و پذیرش حقوق و نظریات ایران به عمل آید، اقدام شایسته و متداول پسندیده خواهد بود.

۶- پیشبرد مطلوب مذاکرات و اقدامات ایجاب می‌نماید که نه تنها موضع دولت ایران و دست و زبان هئیت نمایندگان به لحاظ سیاسی و دیپلماسی و حقوقی در برابر حریف قوی باشد بلکه لازم است محدودیتها و مصوبات قطعی قبلی راه تسلیم و تردید هئیت نمایندگی را در برابر توقع و تحمیل‌های موزیانه عراق یا ابرقدرتها مسدود سازد. علاوه بر آن موضع دولت ایران به لحاظ افکار عمومی داخلی و پشتیبانی ملی نیز محکم و استوار بوده دشمنان نتوانند سوء استفاده و توطئه‌ای نمایند. به بیان دیگر رفتار و روابط هیئت حاکمه در ایران و با ایرانیان باید صادقانه و صمیمانه بر موازین قانونی و عدالت و امانت برقرار باشد تا ملت و دولت صف واحدی در برابر تزویر و تعدیات دشمن و بیگانگان تشکیل دهند.

۷- در بند ۷ قطعنامه، بدون آنکه اشاره و تعهدی نسبت به پرداخت غرامات و خسارات از ناحیه دولت متجاوز به میان آمده باشد صحبت از کوششهای بازسازی و کمک‌های مناسب بین‌المللی شده است که مبهم و نگرانی‌آور می‌باشد. لازم است در این زمینه بررسی دقیق و تعیین شرایط و حدود صحیح به عمل آمده حق نظارت و تعهدات متقابل کمک‌کنندگان و کمک‌شوندگان قبلاً مشخص گردد و به تصویب ارگانهای قانونی طرفین برسد و ایران با پیش بینی‌های لازم زیر بار وامهای کمرشکن و اسارت‌بار نرود.

۸- بند ۸ قطعنامه که از دبیرکل خواسته شده است با مشورت ایران و عراق و دولتهای دیگر منطقه تدابیر لازم برای برقراری امنیت و ثبات منطقه را مورد بررسی قرار دهد محتاج به توضیح و تفصیل بیشتر و تعیین نوع و میزان تدابیر و تصمیمهای مربوطه می‌باشد.

### ب) بازسازی کشور و بازگشت اهداف و آرمانهای اصیل انقلاب

ما خوشوقتیم که از زبان و قلم بعضی از متولیان انقلاب و مسئولین نظام و مقام رهبری اظهارات و تصمیماتی پیرامون بازسازی کشور و سازندگی می‌شنویم.<sup>۱</sup> و بیاناتی در خطبه‌ها و مصاحبه‌ها یا در مقالات روزنامه‌های وابسته در جهت صلح و عدالت و آزادی یا اجرای قانون اساسی می‌آید که گاهی ۱۸۰ درجه با شعارها و جوسازیهای گذشته اختلاف دارد. امیدواریم همه اینها طلیعه‌های صداقت و بازگشت به ملت بوده از مقوله تبلیغات یا سرگرمی و شعار و مشمول ملامت خداوندی "لم تقولون مالا تفعلون" نباشد و به زودی شاهد آثار و نتایج عملی آنها بشویم.

یکی از نشانه‌های صداقت و حسن نیت آقایان توجه به مندرجات این پیام به مصداق آیه شریفه فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک اللذین هدی الله و اولئک هم المفلحون و عدم واکنشهای

---

آ. از جمله در خطبه‌ی ۶۷/۶/۴ که آقای رئیس جمهور "رئوس برنامه‌های اساسی بازسازی کشور را تشریح کرد" (اطلاعات ۶/۵) و در بیانات رهبر انقلاب خطاب به دولتیان در تاریخ ۶۷/۶/۸ که صریحاً فرمودند: مسئله بازسازی است که بسیار مهم است. . . . ضمناً تذکر داده می‌شود که قصد ارسال این پیام و آغاز تهیه و تدوین آن در هفته‌های اول بعد از قبول قطعنامه و قبل از وعده‌ها و اظهارات مسئولین بوده است ولی در این دست‌بستگی و شرایط موجود دچار تاخیر شده است.

ناروا همچون گذشته خواهد بود.

در هر حال با امتنان قبلی از عنایتی که مبذول خواهد شد نظریات و پیشنهادهایی را که منطقی و مفید و موثر تشخیص می‌دهیم به طور اجمال به استحضار مقامات مسئول و به قضاوت و قبول ملت عزیز می‌رسانیم، ولی قبلاً این تذکر لازم است داده شود که بیانات و وعده‌های آقایان یک روی سکه است که رسمیت و رسائی دارد. ولی روی دیگر سکه نظریات مردم است که کننده کار و صاحب اختیار اصلی هستند و باید در رسانه‌های عمومی نظریات و شرایط همکاریشان را ابراز دارند.

۱- شرط ابتدائی و اساسی بازسازی کشور، ترمیم خون و خرابیهای عظیم گذشته و تحقق آرمانهای اصیل انقلاب است (از جمله آزادی، استقلال و نظام اسلامی نه شرقی و نه غربی) و همچنین احیا و اثبات مجدد آرمانها، تأمین وحدت ملی و به حرکت در آوردن اراده ضد استبدادی مشترکی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ منتهی به تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گردید. امر مسلم این است که با ترکیب بندیهای گذشته و برنامه‌هائی که عامل انحراف و انقلاب و باعث این همه خصومت و خون و خرابیها شده است توفیق در بازسازی کشور امکان پذیر نبوده ملت و مردمی که باید اجرا کننده و پشتیبان آن باشند بی تفاوت خواهند بود.

پیش از آنکه نارضایتیها و خشم و مخالفت‌های مردم کار مملکت را به هرج و مرج و انقلاب خونبار بکشاند یا زمینه و بهانه برای تحمیل دیکتاتوریهایی ساخته و پرداخته بیگانگان فراهم آورد چاره‌ای نیست جز آنکه با استفاده از تجربه‌های گذشته یک دگرگونی و بازگشت یا انقلاب نوینی از درون جامعه به جنب و جوش درآید اما انقلابی حق خواهانه، توبه طلبانه و سالم و سازنده.

۲- شرط اساسی دیگر توجه به این نکته اصولی است که بازسازی یک جامعه و کشور و اجرای برنامه‌های احیا و خودکفائی تا تأمین رفاه و توسعه، بیش از آنکه یک مسئله سیاسی و مکتبی و صنفی و از مقوله رقابتهای گروهی بر سر قدرت و حاکمیت باشد، مسئله‌ای است به مقیاس ملی و اجتماعی متعلق به عموم مردم و محتاج به مطالعات و معیارهای اقتصادی، فنی و اداری، در جهت تأمین سلامتی و سعادت افراد یک جامعه که می‌خواهند زنده و مستقل و سربلند باشند. بازسازی و برنامه‌های توسعه و تولید نباید نه وجه المصلحه افکار و منافع درست یا نادرست گرایش‌ها و خطوط فکری شود نه فدای رقابتهای تسلط جویانه گروهها و نه میدان بهره‌برداری و جولان برای شکارچیان بازارهای بین‌المللی. بیشتر از سیاست‌بازی و پشت هم اندازیهای تبلیغاتی احتیاج به "فکر" و "کار" آن هم به صورت همکاری و همفکری دارد. بنابراین بدون دوستی و اعتماد متقابل دولت و ملت فراهم نخواهد گشت. از بالای همه چیز و همه کس باید یک روح رحمت و خلاقیت و تأسی به رحمانیت خدائی حاکم باشد. نه روح تخریبی انتقام و خصومت یا تنگ‌نظری و بخل و حسادت. دست خدا هم در مورد انسانها همیشه از آستین خلق بیرون آمده تلاش و تولید مردم است که اجتماعشان را خوشبخت می‌سازد.

در هر حال اهداف و اولویتها را می‌توان به شرح ذیل تعیین کرد: (۱) ترمیم خرابیهای جنگ و انقلاب و جبران خسارات و صدمات وارده (۲) بالا بردن توان و تولیدات خصوصی و عمومی در جهت رفاه و خودکفائی و به منظور قطع وابستگیهای اسارت‌بار و تقلیل هزینه زندگی (۳) آوردن مملکت در خط توسعه و ترقی و تسلط پا به پای کاروان بادپای علم و تمدن.

۳- می‌دانیم که هر حرکت اساسی یا احیاء و اصلاحات بنیادی، خصوصاً در سطح جامعه‌ها و ملت‌ها بدون پیدایش و پذیرش اهداف و آرمانهای اعتقادی و اجتماعی نمی‌تواند تحقق خارجی و توفیق نهایی پیدا کند.

انقلاب اسلامی ایران در سالهای بعد از پیروزی و حرکت اولیه خود، توانست با عرضه کردن اسلام و داعیه مداوم رسالت انبیاء به جانشینی اهداف و آرمانهای ملی و اصیل انقلاب و با استمداد و استخدام سرمایه‌های انباشته شده ایمان و ایثار یک ملت مخلص و پرورش یافته در مکتب مظلوم و مترقی تشیع، نائل به بزرگترین و دشوارترین موفقیت‌های تاریخ ایران و انقلابهای جهان گردد ولی متأسفانه در اثر انحراف از آرمانها و اهداف اصیل انقلاب، قانون اساسی که شالوده و چهارچوب وحدت و همکاری ملی را تشکیل می‌دهد دستخوش بی‌توجهی و تضعیف واقع گردید و آنان که می‌بایستی با تمام نیرو و نام و مقام مدافع قانون اساسی باشند آن را نادیده گرفتند. در نتیجه وحدت و همبستگی اولیه ملت دچار تضعیف و تفرقه گردید و اکثریت مردم سرخورده و مأیوس از انقلاب گردیدند و بزرگترین ضربات بر پیکره قانونی و ارزشی انقلاب وارد گردید.

بنابراین گام اول در این جهاد مقدس برای توبه به‌درگاه خدا و بازگشت به انقلاب و ملت باید از ناحیه کسانی برداشته شود که گام اول انحراف و جدائی را برداشته قدرت و دولت را به تصرف در آورده‌اند. البته نفع و نجات دنیا و آخرت خودشان نیز در گروی چنین انصاف و اقدام است. تا سوارشدگان بر مرکب قدرت با پیادگان راه مانده همدوش و همسو نشوند بازگشت به سلامت و سعادت و بازسازی کشور امکان‌پذیر نخواهد بود و تا مردم ایران آزادی و ارزش انسانی را استماع و احساس ننمایند موافقت و مشارکتی با کمترین فداکاری و تلاش برای راهیابی و بازسازی کشور نخواهند داشت.

هئیت حاکمه باید بنا به مصلحت خود و انقلاب و آئین، تن به این حقیقت بدهد که بی‌مایه فطیر است. اگر حاضر بر پیاده شدن از مرکب قدرت و تمکین به قانون اساسی و عدالت اسلامی نشده جامعه ایران را باز و آزاد (آنطور که قانون اساسی تعریف و تعیین کرده است) ننمایند بر سر آنها و بر سر مملکت همان بلا خواهد آمد که بر پیشینیان ایران و جهان دنیا آمده است. گوش به منادی حق دهند که می‌گوید "هل ينظرون الا سنت الاولین و لن تجد لسنت الله تبديلا و لن تجد لسنت الله تحويلا".

۴- متولیان نظام یقیناً در دوران حکومت خود خصوصاً در سالهای اخیر جنگ، به خوبی حس کرده و عملاً به این حقیقت رسیده‌اند که دولتها و حکومت‌های قرون معاصر اگر برآورنده نیازها و خواسته‌های مردم و متکی بر ملت‌ها نباشند برای حفظ مقام و موقعیت خود ناچار باید توسل به بیگانگان بجویند و غیر از این دو حالت راه دیگری وجود ندارد. اتکا خارجی نیز نه سهل و ساده به دست می‌آید نه بی‌خرج و بی‌مایه است، نه بادوام و پایه و نه خالی از رقابت و دغدغه است. چاره منحصر به فرد برای سلامت و سعادت، بازگشت به خدا و خلق است.

۵- با فرض تمکین منصفانه آقایان به اصول بدیهی بالا و تحقق شرایط اولیه فوق ضرورت بعدی که به نظر مهم می‌آید تجدیدنظر سیاسی در سیاستها و سازمانها است. سازندگی و تولید و خودکفائی که این روزها بیش از سابق به قلم‌ها و زبانها می‌آید و در حقیقت خلاقیت و خلافتی را به یاد می‌آورد که خدا به آدمیزاد داده است تا از راه تلاش و تفکر و اکتساب، نیازهای زندگی خود را برآورد و سلامت و سعادتش

را تامین نماید، زمین تا آسمان با برنامه‌ها و با اندیشه‌های تضاد و تخاصم گذشته فرق دارد. کما آنکه در این چند سال طولانی بعد از پیروزی انقلاب، نظام حاکم با وجود تدبیرها و توفیق‌های غیرقابل انکاری که در مدیریت و قاطعیت‌های انقلابی و در جنگ‌آوری داشته است و از ساخته و پرداخته‌های میراثی از نظام طاغوتی بهره برداری شایان کرده نتوانسته است یا نخواست است تأسیسات قابل ذکر و درآمدهای مهم جدیدی بوجود آورد. علت امر، صرف نظر از مسئله جنگ که اولویت تامه به آن داده بودند شاید این باشد که اولاً سازندگی و عمران برای بالا بردن سطح تولید و ترقی و رفاه جزو آمال و برنامه‌های آقایان نبوده است و کسانی خواهان خلاف آن نیز بوده‌اند. ثانیاً لازمه سازندگی و فزاینده‌ی اعتقاد و عادت به مدیریت و نظم و سازماندهی است که بسیاری از مسئولین و تندروهای انقلاب نسبت به آنها بیگانه یا بی‌تفاوت بوده‌اند.

یقیناً آقایان انصاف می‌دهند که تا به حال اگر انقلاب اسلامی ما در زمینه‌های دفع و نفی، دست‌آوردهای چشمگیر داشته است در زمینه‌های مثبت اصلاح و ایجاد و حتی نجات مظلومان ایران و جهان و در گسترش عدل و احسان، علیرغم شعارها و وعده‌ها، توفیق چندان نداشته و خدمات ارزنده مهمی انجام نداده است.

بنابراین لازم است دولت و ملت معتقد و متعهد به این حقیقت شده صادقانه و آگاهانه تغییر سیاست و سازمان بدهند و خود را متناسب و مجهز برای شرایط و برنامه‌های تازه بنمایند.

۶- بعد از مدیریت مسئله مشارکت مردم مطرح می‌شود.

دنیای مترقی و متلاطم امروزی که در آن هیچ کشوری نمی‌تواند خود را مستقل از نظامات و جریانها و مختار و مسلط بر اوضاع بداند، دنیای مدیریت و مشارکتهای جمعی و اجتماعی است. مشارکت آگاهانه و علاقمندانه حتی‌المقدور همه طبقات و افراد ملت نه تنها در مدیریت فنی و اداری یا ملی بلکه در مالکیت و اداره مملکت و در تصمیم‌گیریها و در رهبری و سرنوشت ملی از طریق انتخابات و دخالت صحیح در سیاست (و امور مملکت). البته آنطور که برای ما در فصول اول و سوم و چهارم و پنجم و ششم قانون اساسی آمده است.

مشارکت ملی مطلوب مورد نظر ما دارای وجهه‌های گوناگون همدلی، همفکری، همگامی، همکاری، همیاری و انواع مساعدتهای داوطلبانه‌ای است که از سوی کلیه طبقات و در سراسر مشاغل و مراحل جامعه اعمال می‌گردد.

مثلاً کارمندان و کارگران ادارات و مؤسسات مجری برنامه‌های بازسازی و سازندگی وظائف خود را با اعتقاد و عشق و با حداکثر کوشش و تدبیر انجام داده بازده کار را به میزان قابل‌بالاتر ببرند. طراحان و کارشناسان و صاحب‌نظران در مسئولیت و مقامی که هستند همچون شغل شخصی دقت و دلسوزی همراه با ابتکار و راهنمایی به خرج دهند، مدیران و صاحبان مشاغل و سرمایه در بخش خصوصی تولیدات و خدمات خود را بدون چشمداشت و بهره‌وری و حتی مایه‌گذاری از خود هم‌آهنگ و کارساز برنامه‌های بازسازی و سازندگی ملی بنمایند. مردم با تشکیل انجمن‌های امدادی و تعاونی اقدام به تدارک و تأمین بودجه برای ترمیم خسارتهای وارده بر همشهریها و هموطنان خود نموده دولت را از این بار سنگین آزاد سازند و به طور کلی ملت و مخصوصاً مرفهین جامعه قبول یک دوران قناعت و صرفه‌جویی برادروار را

نموده به استقبال مالیاتها و عوارض مخصوص بازسازی کشور بروند و تا آنجا که می‌توانند در کمک‌های نقدی و جنبی و کاری در این جهاد سازندگی دینی و ملی با یکدیگر مسابقه بگذارند. . .

\* \* \*

یکی از اصول معقول و مهم مدیریت در منطق علمی و روانی نوین، انصراف از تحکم و آمریت و از تمرکز در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است که باید همراه با قبول شخصیت و حقوق انسانها باشد. یکی از وجهه‌ها و شرایط مشارکت عمومی برای رسیدن به خودکفائی و سازندگی و بازسازی کشور در زمینه‌های تولید و توسعه نیز احترام گذاردن به حقوق الهی و طبیعی افراد و اجازه و امکان دادن به بخش خصوصی برای فعالیتهای تولیدی مفید و مشروع و کنترل شده آنها در صنعت و کشاورزی، ضمن جلوگیری از ستم اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در صورت فعالیت مفید و مشروع و با جلب ابتکار و علاقمندی بخش خصوصی، نه در تجارت خارجی بلکه در تولید صنعتی و کشاورزی، هم زندگی دنیا و قشر مهمی از جامعه بدون آنکه فشار بر بودجه دولت بیاورند تأمین می‌گردد و هم درآمد و امکانات دولت اضافه می‌شود. در صورتیکه با دولتی کردن همه کارها و منابع تولید و درآمد، به بهانه حمایت از مستضعفین و مبارزه با نظام سرمایه‌داری غربی، همانطور که تجربه ما و همه دنیا و حتی همسایه شمالی یعنی دولت شوروی نشان داده (و اخیراً برگشت نموده‌اند) نتیجه‌ای جز افزایش هزینه‌ها، فشارها، فسادها و زدبیا و خراب شدن کارها و کیفیت‌ها و بالاخره ضایع کردن و طفیلی ساختن انسانها نتیجه‌ای عاید نمی‌گردد.

۷- البته ما نمی‌گوئیم بازسازی کشور و توفیق در برنامه‌های آبادانی و عمران و ترقی فقط در صورت مشارکت ملی و در سایه آزادی و جامعه باز یا حاکمیت ملی، امکان‌پذیر می‌باشد. هم شاهان مستبد ایران و فراعنه و امپراطورهای مصر و روم و چین و جاهای دیگر کارهای عظیم عمرانی انجام داده‌اند که مربوط به تاریخ و فرهنگ گذشته بشریت بوده فرجام نیکی به لحاظ ملت و مملکت نداشته است و در هر حال قابل تکرار در جهان جدید نمی‌باشد و هم در حکومت‌های کم و بیش دیکتاتوری و نظام‌های در حال توسعه امروزی ما شاهد اجرای برنامه‌های وسیع عمرانی و تولیدی هستیم که معمولاً با سرمایه‌گذاری و سیاست‌های خارجی صورت می‌گیرد. این را هم می‌دانیم که خارجی جز در جهت مقاصد سیاسی و تأمین سلطه و منافع خود مبادرت به سخاوتمندی و نوع‌پروری! نمی‌نماید. در اولین هفته بعد از قبول قطعنامه از طرف دولت ایران در روزنامه‌ها و در رادیوها خواندیم و شنیدیم که بعضی از دولتهای بزرگ بیگانه، با تبریک گوئی و آرزوی آتش‌بس کردن وعده‌های دلسوزانه همکاریهای فنی و اقتصادی انساندوستانه برای ترمیم خرابیهای جنگ به دولتهای ایران و عراق داده‌اند. گفته می‌شد که بعضی از خطوط هواپیمایی اروپا تا دو سه ماه بلیطهای خود را به کارشناسان و دلالانی که سیلوار به سوی ایران سرازیر می‌شوند فروخته‌اند. . .

در این زمینه آقای نخست‌وزیر در اجتماع مردم ایلام اعلام داشته بود "دروازه‌های ایران به روی ابرقدرتها و شرکت‌های خارجی باز نخواهد شد" و همچون شعار پراکنیهای گذشته اضافه شده بود که "سیاست دولت در بازسازی کشور استفاده از نیروهای مردمی است."<sup>۱</sup>

گفتار گفتار بسیار دلپذیر و تأیید مطالب بندهای قبلی است ولی به قول فردوسی "دو صد گفته چون نیم کردار نیست" اگر مقصودشان از نیروهای مردمی اکثریت مردم ایران است که انحصار به اقلیت رو به تقلیل پیروان خودشان ندارد و غیرموافقین با دولت را که محروم از استخدام و استفاده شده‌اند نیز در بر می‌گیرد. همانطور که در بند ۳ تذکر داده شد چنین نیرو و مردم تا عملاً احساس اعتماد و برادری یا همدلی و همگامی صادقانه از ناحیه دست اندرکاران و گردانندگان نمایند ایشان و متولیان را دست تنها خواهند گذاشت<sup>۱</sup> و آقایان ناچار به استفاده ناخواسته و استمداد نامرئی از ابرقدرتها و شرکتهای خارجی، به بهای گرو گذاشتن استقلال ایران و آزادی ایرانیان و بی‌آبرو شدن خودشان خواهند گشت.

با کمال تأسف و برخلاف گفتار آقای نخست‌وزیر از هفته اول بعد از قبول قطعنامه جنب و جوش ظاهراً دلسوزانه‌ای در بعضی نهادها و در وزارتخانه‌ها مشاهده شده است که بسیار خطرناک می‌باشد. مثل اینکه مسابقه در اجرای نقشه‌های بازسازی و عقد قراردادهای تعهدآور با طراحان و سرمایه‌گذاران خارجی گذارده‌اند که خارج از ضوابط قانونی، عجولانه، بی‌مطالعه و بدون مراجعه به کارشناسان مربوطه و هم‌آهنگی با وزارتخانه‌های مسئول و سازمان برنامه است.

۸- وقتی صحبت از ملت ایران و مشارکت عمومی می‌شود سهمی هم باید به هموطنان آواره داد که به اختیار یا اجبار مقیم یا پناهنده به کشورهای بیگانه گردیده حسرت بازگشت به وطن و خدمت به ایران و ایرانیان می‌خورند. بسیاری از آنها افراد ارزنده صاحب تخصص و دانش هستند که به حق یا ناحق در اثر شرایط یا رفتارهای ناگوار از کاشانه و کارشان رانده شده‌اند و جوانترهایی در این مدت موفق به کسب دانش و تخصص‌های عالی به سود احیا و بازسازی مملکت شده‌اند که غالباً در اثر دوری و درد غربت بیش از گذشته احساس عشق به میهن و همبستگی با ملت را می‌نمایند.

یکی از برنامه‌های بازسازی و خودکفائی و توسعه باید بازگشت این قشر وسیع دربره‌در شده و استفاده از آنها باشد. فرهنگ باستانی ایران، سنت رسول اکرم و امامان و سفارشهای قرآن همیشه استقبال خانواده از فرزندان گمگشته و گذشت و احسان درباره برادران و هموطنان بوده است.

۹- نباید فراموش کرد که زنده کردن و بازساختن و به پرواز درآوردن، موانع و آفاتی همراه دارد. اگر این آفات و موانع را فراموش کرده به حساب نیاوریم مسلماً برنامه‌های بازسازی و سازندگی به نتایج مطلوب نخواهد رسید و شاید نتیجه معکوس بدهد. یکی از آفات بزرگ بازسازی کشور و هر عمل خلاق و تولیدی، فسادهای اقتصادی و اداری ناشی از نواقص اخلاقی و بیماریهای معنوی و نفسانی جامعه است، یا فقدان هدف و ایمان و تقوی. فسادهای اقتصادی و اداری داخل مردم و کارمندان پیکره کار را مانند خوره و سرطان خراب و توخالی می‌نماید. برای چاره آن پیشگیریها و درمانها هست. یکی از راههای عمده و موثر برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها و خلافتکاریها وجود آزادی و امکان افشاگری و انتقاد است که باید بدون تهمت و برچسب خوردن صورت گیرد. یعنی برداشته شدن اختناق و انحصار و سانسوری که خودتان بهتر از هر کس می‌دانید در نظام حاکم چه قدرت و منزلتی دارد، تا آنجا که مطبوعات دولتی حتی نمایندگان مجلس هم مصون از آن نیستند.

---

<sup>۱</sup> تجربه دوران رضاشاهی و بعد از آن نشان داده است که ملت ایران و روشنفکران اگر زیاد اهل فداکاری برای مبارزه رودررو نباشند در مقاومت بی سروصدا و مبارزه منفی استنادند.

به این ترتیب باز برمی‌گردیم به ضرورت جامعه باز و اجازه و اجرای آزادی و حاکمیت ملی، آنطور که در قانون اساسی تصریح و تأکید شده است.

یقین بدانید اگر شما یا جانشینان شما بخواهند بهترین برنامه را برای بازسازی و سازندگی کشور اجرا کنند و با وضع مالیاتهای سنگین و اختصاص دادن درآمدهای ارزی و گرفتن وامهای خارجی و تحمیل و تبلیغ کمک‌های مردمی بودجه کافی برای آن فراهم نمایند. در صورتیکه اختناق و انحصار و استبداد ادامه داشته باشد و جلوی آزادی و انتقاد را بگیرند بدتر از زمان شاه تمام یا قسمت اعظم آن بودجه سر از جیب و کاخ و کارخانه و حسابهای بانکی سرسپردگان و فدائیان مخلص نظام در خواهد آورد!

۱۰- آفت یا مانع بزرگ دیگر در سر راه فعالیت‌های سازنده و مثبت و مولد که از زمان شاه وجود داشته و در نظام جمهوری اسلامی شدت و وسعت بیشتر یافته است محدودیتها و تشریفات و نظارتها و به طور کلی مشکلات اداری است که به نامهای پروانه، موافقتنامه، مجوز، سهمیه، مصاحبه، نظر شورا، رأی دادگاه و غیره مانند تارهای عنکبوت و پيله ابریشم به دور هرگونه عملیات تولیدی، کشاورزی، صنعتی، شخصی یا گروهی، معدنی و خدماتی خارج از بخش دولتی یا وابستگان پیچیده شده است و هر داوطلب شرافتمندی را که می‌خواهد از راه حلال و با کوشش و کار کسب معاش و درآمد مشروع نماید پشیمان و پریشان و فراری می‌نماید. در نظام جمهوری اسلامی علیرغم انتقادات و ادعاهائی که در مقایسه با زمان شاه می‌گردید کاغذبازی یا بوروکراسی چند برابر گشته و بیش از آن زمان فعالیتها و سرمایه‌ها به سوی اقتصاد تجاری زیانبار و تورمزای دلالی و واسطه‌گری یا دست‌گردانی کالاها و کارها سوق داده شده و می‌شود. اتفاقاً همین سختگیریهای احتیاطکارانه و دقت و نظارتهای چند جانبه است که رشوه گرفتن و مداخل را آسان و عادی می‌سازد بدون آنکه مرجع مستقل و مدافعی برای حمایت از مردم و مظلومین جامعه وجود داشته باشد.

در فرهنگ چپگرایی حاکمیت و اسماً مترقی انقلابیون افراطی یا اسلامی ما یک نوع بدبینی و بدخواهی کینه‌توزانه نسبت به بخش خصوصی آزاد و هرگونه درآمد و دارائی افراد دیده می‌شود. فعالیت‌های انتفاعی ولو مشروع و قانونی و تولیدی مفید را به چشم جرم و خیانت نگاه می‌کنند و این در حالی است که همین دولت به اصطلاح چپگرایی ضد سرمایه‌دار، درآمدهای ذی‌قیمت ارزی کشور را صرف خرید کالاهای مصرفی با کیفیت پائین از سرمایه‌داران خارجی می‌نماید. طبیعی است که وقتی دستگاه قضائی و دادستانی که باید بیطرف و مستقل از دولت و سیاست بوده خود را صرفاً مجری عدالت و قانون دانسته از مظلومان و محرومانی حمایت کنند که حقوقشان به دست اهل تزویر و زور و زر پایمال شده است، اعلام جرم علیه "قانونگرائی" و شکایت و تظلم نمایند و دستور عدم رسیدگی بدهند، چه روزگار سیاهی به سر برنامه‌های توسعه و تولید یا بازسازی و سازندگی کشور خواهد آمد!

اگر قرار باشد انقلاب و نظام و مملکت نجات یافته حیات و حرکت پیدا کنند ضرورت دارد که به طور جدی توبه‌کارانه تجدیدنظر قاطعی در روحیه و روشهای مرگ‌خواهی و ضد سازندگی هفت هشت ساله به عمل آمده دستگاه‌های حکومت و قضاوت از این آفات بزرگ تصفیه و تزکیه گردند.

۱۱- بدیهی است که در کنار و یا در پیشاپیش و بالاسر اقدامات و برنامه‌های بازسازی کشور یک توجه همه جانبه گسترده و دقیق به مسائل اقتصادی یا مالی و ارزی و بودجه‌ای ضرورت دارد. چه در دستگاه

دولتی و چه در بخشهای خصوصی رگ حیاتی و غذا و هوای برنامه‌های بازسازی و سازندگی پول است و راه و روشهای تأمین و توزیع آن.

نهضت آزادی در این باره دست به مطالعه و مشاوره زده امیدواریم به فضل خدا و به همت همکاران و همفکران، نشریه جداگانه‌ای تهیه نمائیم.

کشاورزی و صنایع و معادن که شاخه‌های اصلی اقتصاد و خودکفائی هستند و همچنین رشته‌های دیگر تولید و خدمات، نیازمند عنایت و بررسیها و اقدامات خاص و جبران بی‌توجهی‌ها و عقب افتادگی‌ها می‌باشند. این رشته‌ها و شاخه‌ها در دنیای کنونی بیش از آن که حرفه و هنر باشند علم محسوب می‌شوند و وابستگی و احتیاج شدید، هم به تخصص و روشهای علمی و برنامه‌ریزیهای استادانه دارد و هم نیازمند ارتباطات و استفاده‌های ماهرانه از منابع و معلومات خارجی است. کار با دادن شعار و راه انداختن تبلیغات و با خط بازی درست نمی‌شود.

در این زمینه نیز لازم است طرح و توضیحاتی داده شود و اگر حزب و گروهی غیر از نهضت این کار را بکنند چه بهتر.

۱۲- یکی از جوسازیهای جاهلانه و خطاهای انقلابی گذشته ترویج تصور بی‌نیازی مطلق از جهان خارج ایران و اسلام و کفایت حوزه‌های روحانیت بوده هرگونه استفاده و ارتباط با کشورهای پیشرفته را محکوم می‌نموده‌اند. درحالی که از امتیازهای درخشان و از خدمات بزرگ مسلمانان در قرون اولیه به علم و تمدن جهان، سعه صدر و فرهنگ گسترده بازی بوده است که تعلیمات قرآن و سنت پیغمبر و پیشوایان برای اولین بار به دنیا عرضه داشته است و پیشینیان ما توانستند با اشتیاق و استمداد تمام یک سلسله ترکیب و تعادل و تکمیل‌های بدیعی از علوم و فنون و فرهنگهای ملل و نحل زمان به وجود آورده تحویل معاصرین و آیندگان بدهند.

برای بازسازی و سازندگی ایران ضرورت دارد که ضمن حفاظت و دفاع از استقلال کلی کشورمان که سرچشمه آن روح ابتکار و اختراع و طرد تقلیدگری است، با یک تحول انقلابی سازنده به فراگرفتن هوشمندانه و غیرمتعصبانه علوم و فنون در حال تکمیل و توسعه دنیا بپردازیم. اکتشافات و اختراعات روز افزون غربی و شرقی را بشناسیم و پس از تطبیق با شرایط و احتیاجات و امکانات خودمان و با تکمیل و تتبعهای لازم به کار انداخته همگام با کاروان پویای دانش و فنون جهان پیش برویم.

۱۳- به طور کلی و ماحصل کلام آنکه بازسازی کشور و انداختن ایران در خط سازندگی و سعادت که آرزوی همه دردمندان و عاشقان ایران و اسلام بوده و داعیان و مدعیان خدمت وعده داده‌اند، یک امر کوچک پیش پا افتاده و کار سهل و ساده‌ای نیست. مسلماً با چند خطبه و بخشنامه، با اختصاص دادن چند میلیون بودجه، با تنظیم برنامه‌های متفرق و موضعی کوتاه‌نظرانه و بدون همدلی و همکاری صادقانه و فداکاری مردانه دولت و ملت انجام نمی‌گردد و نمی‌توان نابسامانیهای عظیم انباشته شده و توقف و عقب‌افتادگیهای وحشتناک یک مملکت انقلاب کرده و جنگ‌زده ویران گشته را با مردم سرگشته چاره نمود. مسئله و مشکلی است بس مهم که قبل از هر چیز و بعد از استغفار و استعفا از خودپسندیها و خود محوریها و از ضد ارزشها، احتیاج به یک بررسی و برنامه‌ریزی هماهنگ همه جانبه دوراندیشانه دارد که بر پایه‌های ایمان و تقوی و با استمداد از علم و تجربه و استفاده از دست‌آوردهای علمی، فنی، اقتصادی،

اداری، فرهنگی و اجتماعی باشد. ضمناً برنامه و عملی است مافوق اندیشه و توان افراد و افکاری که عملکرد گذشته‌شان خلاف آن را نشان داده است.

۱۴- در آخرین بند پیام، با اجازه از مخاطب اصلی، سلام و عنایت خاص به هموطنان عزیز می‌نمائیم. کسانی که ذینفع بازسازی و سازندگی کشور و مسئول و مجری اصلی برنامه‌ها می‌باشند. اگر قاطبه ملت یا اکثریت مردم نخواهند یا نتوانند بذل اراده و همت و رحمت نموده با حضور در صحنه و فعالیت و فداکاریهای خود، اثبات صاحب خانگی و اعمال علاقه و وظیفه نمایند، مسلماً هیئت حاکمه حاضر و هیئت‌های حاکمه آینده از هر رنگ و قماش که باشند و به فرض حسن نیت و تشخیص نخواهند توانست به سود ایران و ایرانیان توفیق شایان به دست آورند.

در مرحله اول همگی ملت باید بیطرفی و بیحالی را کنار گذاشته واقعاً بخواهند، اینک که به نظر می‌آید (یا دلمان می‌خواهد) کشورمان از جنگ و جهل بیرون آمده وارد وادی جدید سازندگی و سعادت شود، دولت و دستگاه و در دستداران قدرت و قانون، خدمتگزار فرمانبردار مردم و اجراکنندگان خواسته‌های ملت باشند. در مرحله دوم، ضمن نظارت و مراقبت پیگیر و با قبول زحمات و خطرات مربوطه، واقعاً همکاری و همگامی نمایند. انتظار نه از نصرت بی‌مقدمه پروردگار نه از تصادفات نجات دهنده روزگار، نه از رهبری و رهبران داشته باشند و نه روی حمایت و التفات سیاستهای خارجی حساب کنند.

**والسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته**

**نهضت آزادی ایران**

**شهریور ماه ۶۷**

هموطنان عزیز و هر خواننده موافق، با توجه به دست بستگی و فقدان وسائل نهضت آزادی و به سهم خود در تکثیر و توزیع وسیع این نشریه همکاری خواهند فرمود.